

جایی دورتر

محمد رضا طاهری، سرفه های گرامافون/ص 85

دوستان ! کافی ست ماتم ، اندکی مسرور تر
کیست از من در میان جمعتان رنجور تر ؟

هی نمک می ریزد این دل شوره بر زخم دلم
بردلم ، این تُنگِ از هفتاد دریا شور تر

شهر آشوب است ، کس درد آشنای خلق نیست
هرکه با وضع زمان بیگانه تر ، مشهور تر

محتسب ها در لباس می فروشان در کمین
مست ها ! هشیار باشید ، اندکی مستور تر

مرغکان ! سیمرغ بالاتر از این ها می پرد
"قاف" کافی نیست ، باید رفت جایی دور تر